یادداشت

حمیدرضاشاه‌نظری

«مرگ بر امریکا» مقاومت گفتمانی در برابر استکبار

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات اخیر در جمع شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم بر شعار مرگ بر امریکا تأکید کردند. این شعار، صرفاً یک عبارت ساده یا یک شعار سیاسی عادی نیست، بلکه در عمق خود، برشی از تاریخ مقاومت، فریادی در برابر ظلم، و تأسیس یک گفتمان مقاومتی است که در قلب آن اراده‌ای نافذ به وسعت اراده ملت‌های تحت ظلم برای نفی سلطه‌گری، استعمار و استکبار نهفته است. این شعار، به‌ویژه در بافت تاریخی و سیاسی ایران، معنای عمیقی دارد که به عنوان یک نشانه مقاومت فرهنگی و روانی در برابر استکبار جهانی، تکامل یافته است. اگر به ابعاد مختلف این شعار دقت شود دیده خواهد شد که تأکید بر این شعار، اعلام و مطالبه یک «مرگ» نیست، بلکه دعوت به نوعی «زندگی» است که در دل آن، عدالت اجتماعی، استقلال ملی و فرهنگی و کرامت انسان‌ها نهفته است.

آنچه این شعار را به یک گفتمان خاص تبدیل می‌کند، لایه‌های پیچیده‌ای است که به تدریج از درون آن سر برآورده و بر گستره جهانی تأثیر می‌گذارد. مرگ بر امریکا فقط در مرزهای جغرافیایی ایران محدود نمی‌شود، بلکه پژواک آن در جوامع و ملل مختلف، به‌ویژه آنهایی که در سایه استعمار و سلطه‌گری‌های غربی زیسته‌اند و به این استعمار و استکبار آگاهی یافته‌اند، به‌طور محسوسی شنیده می‌شود. مرگ بر امریکا شاید در نگاه اول به عنوان یک عبارت شعاری صرف به نظر آید، اما در ورای آن، یک گفتمان معنایی و فرهنگی و تاریخی از مبارزات ضداستکباری و ضداستعماری در سطح جهانی و ملی نهفته است.

این شعار از همان ابتدا با یک اصل بنیادین شروع می‌کند که عبارت است از «نفی استکبار و نفی سلطه». مرگ بر امریکا نه به معنای مرگ یک ملت یا صرفاً یک ابرقدرت، بلکه به معنای نفی ساختارهای سلطه‌گرانه است که از خلال قرن‌ها استعمار و استثمار، ملت‌ها را به خود مشغول کرده و با تاراج منابع آنان و ظلم بر مردمانشان عده‌ای اندک را در جایگاه ارباب جهان قرار داده است. به گواه تاریخ، استعمارگران غربی طی قرن‌ها با تکیه بر قدرت نظامی، اقتصادی و فرهنگی خود، نه تنها منابع طبیعی ملت‌ها را غارت کردند، بلکه تلاش کردند هویت‌های سایر ملت‌ها و تمدن‌ها را نیز به حاشیه ببرند و انسانیت و کرامت ملت‌ها را لگدمال کنند. از این رو باید گفت که شعار مرگ بر امریکا یک واقعیت ایستا و برساخته نیست بلکه یک حقیقت دارای تاریخ است و در چنین بستری به وجود آمده است، مظهر ونماد مقاومتی فرهنگی و گفتمانی که تنها به مقابله با استکبار و سلطه‌گری امریکا محدود نمی‌شود، بلکه به مخالفت با همه مظاهر استکبار جهانی برخاسته است.

این شعار در حقیقت، یک اعلان هویتی است که در دل آن، واژه «مرگ» نه به معنای حذف فیزیکی است، بلکه نماد از بین بردن سلطه‌گری و حضور فریبکارانه قدرت‌های جهانی است که از طریق رسانه‌ها، فرهنگ‌ها و حتی نظام‌های آموزشی در پی تسلط معنایی و شناختی و در ادامه هضم ملت‌های مختلف در یک گفتمان واحد و انقیادآور هستند. به‌طور دقیق‌تر، این شعار نمادی است از تلاش برای مقابله با «استعمار دستگاه تحلیلی و تسخیر ذهن‌ها» و رهایی بخشی جوامع انسانی و بازسازی هویت‌های مستقل و عادلانه.

اندیشمندان پسااستعماری به خصوص فرانتس فانون و ادوارد سعید در آثار خود به خوبی نشان داده‌اند که استراتژی و ابزار اصلی استعمار و استکبار در سلطه بر دیگران، به سلطه کشیدن و چیرگی روانی و گفتمانی ملت‌هاست. بر این اساس می‌توان گفت که مرگ بر امریکا به مثابه نقطه آغاز یک مبارزه گفتمانی و فرهنگی با این نظام جهانی است.

استعمار به‌ویژه در دوران مدرن و به خصوص بعد از تجربه انقلاب اسلامی در ایران و امتداد آن در میان ملت‌های مقاوم منطقه و جهان، به خوبی می‌داند که یک ملت زمانی می‌تواند در برابر سلطه‌گری مقاومت کند که هویت خود را باز یابد و از قالب‌های فکری و فرهنگی تحمیل‌شده رها شود و مرگ بر امریکا به عنوان عبارتی «غیریت‌ساز»، نقطه آغاز این هویت‌سازی است و به همه گوشزد می‌کند که آنچه در این مبارزه، بیشتر از هر چیزی باید به چالش کشیده شود، نظام‌های معنایی و فرهنگی‌اند که استعمارگران در ذهن مردم جای داده‌اند.

این اندیشمندان در آثار خود به خوبی این را نشان داده‌اند که استعمار، در کنار سلطه نظامی و اقتصادی، خود را در قالب‌های فرهنگی و گفتمانی بازتولید می‌کند. در نتیجه، برای مقابله با این استعمار جدید، باید گفتمان‌های سلطه‌گرانه را به چالش کشید و هویت‌های مستقل فرهنگی و اجتماعی را بازسازی کرد. شعار مرگ بر امریکا به‌عنوان یک گفتمان فرهنگی، دقیقاً در این راستا شکل گرفته است. این شعار یک یادآوری است که مبارزه با استعمار تنها در میدان‌های جنگ نظامی محدود نمی‌شود، بلکه حتی در عرصه‌های فرهنگی، روانی و گفتمانی موضوعیت بیشتری دارد.

در نگاه قرآنی نیز از آغاز تاریخ بشر، مبارزه با استکبار و سلطه‌گری همواره از اصول اساسی پیام‌های الهی و مقدمه جامعه‌سازی دینی و تمدن‌سازی اسلامی بوده است. قرآن کریم بارها به نفی ظلم و فساد اشاره کرده و کسانی را که در صدد سلطه‌گری بر دیگران هستند به مبارزه طلبیده است. در این راستا، در سوره‌های مختلف قرآن، همواره از استکبار به عنوان یک ویژگی منفی یاد شده و از مؤمنان خواسته شده است که از آن دوری کنند و در برابر آن بایستند. شعار مرگ بر امریکا دقیقاً مبتنی بر این فلسفه قرآنی است که باید ابتدا با نفی هرگونه سلطه و استکباری که مخالف اراده الهی است، آغاز کرد. به‌عبارت‌دیگر، این شعار به معنای فریاد «لااله» است، که به معنای نفی هرگونه قدرت و تسلطی است که برخلاف اراده الهی عمل می‌کند.

در قرآن، هنگامی که خداوند به حضرت ابراهیم و پیروان او دستور می‌دهد که از همه بت‌ها و خدایان دروغین و سلطه‌گران غیر الهی دست بردارند، به‌طور ضمنی همین اصل مطرح می‌شود و شعار مرگ بر امریکا دقیقاً در این چارچوب قابل تفسیر است. در قرآن، پیش از آنکه تأسیس حکومت اسلامی و تمدن نوین اسلامی مورد نظر قرار گیرد، نفی استکبار و ظلم اهمیت اساسی دارد. این «لااله» ابتدا نفی همه طواغیت و استکبارها است و مقدمه و زمینه‌ساز گام دوم «الاالله» است که بیانگر حرکت در مسیر درست و مطابق با اراده الهی است. در حقیقت، شعار مرگ بر امریکا نه‌تنها یک واکنش به سلطه‌گری‌های سیاسی است، بلکه گامی است برای تحقق «لااله» که در آن به‌طور صریح از سلطه‌گران و استکبار جهانی فاصله گرفته می‌شود. در گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی شعار مرگ بر امریکا به‌عنوان یک مرزگذاری معنوی و سیاسی با قدرت‌های استکباری همچون امریکا عمل می‌کند.

این شعار، ضمن اینکه به‌طور مستقیم بر مخالفت با سلطه‌طلبی‌های امریکایی تأکید دارد در واقع یک نوع اعلام «لااله» به هرگونه سیاست‌های سلطه‌گرانه است که از زمان استعمار تا امروز، بسیاری از ملت‌ها را تحت فشار و سلطه قرار داده است. این شعار از یک‌سو به‌عنوان یک اعلام موضع قاطعانه در برابر سلطه‌گری‌ها عمل می‌کند و از سوی دیگر، به‌عنوان مقدمه‌ای برای استقرار تمدن اسلامی و جامعه‌ای بر پایه اصول توحید و عدالت اجتماعی مطرح می‌شود. بر این اساس، مرگ بر امریکا به مثابه یک گفتمان ضداستکباری و ضداستعماری به نفی یک دولت یا ملت نمی‌پردازد، چنان‌که در بین خود امریکایی‌ها هم برخی از مردم معترض در جریان راهپیمایی‌ها به اعلام آن مبادرت کرده‌اند، بلکه ناظر بر نفی هرگونه سلطه‌پذیری و نفی هرگونه استکبار است و گامی است در مسیر مطالبه آزادی و رهایی از سلطه و مقدمه‌ای است برای رسیدن به تمدنی بر پایه عدالت، آزادی و استقلال.

گزارش

کبری آسوپار

ترامپی‌ها تکذیب شدند و تذکر گرفتند

تکذیب درخواست ایران برای مذاکره و مهم‌تر از آن، «تذکر» به مقاماتی که حرف از مذاکره زده‌اند، اصلی‌ترین نکته‌ای بود که از جلسه کمیسیون امنیت ملی مجلس با وزیر خارجه بیرون آمد. عراقچی نگفته که آیا مراجعی بالاتر خواهان چنین تذکری شده‌اند یا دولت رأساً اقدام به چنین کاری کرده است، اما در هر حال هر تذکری در باب اعلام آمادگی ایران برای مذاکره با امریکا، این‌گونه محلی از اعراب ندارد که در این جلسه مورد گفت‌وگو قرار بگیرد. بنابراین، می‌توان این تذکر را «جدی» محسوب کرد. اما آیا دولت علاقه دارد موضع رسمی‌اش در قبال مذاکره با امریکا، غیرعلنی باقی بماند و در فضای علنی، برابر حامیان مذاکره که موضع خود را موضع دولت می‌دانند، محافظه‌کارانه سکوت کند؟

امیر خلوصی|ایسنا

روز دوشنبه هفته جاری، جلسه کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی با عباس عراقچی، وزیر خارجه برگزار شد. مطابق آنچه سخنگوی کمیسیون توضیح داده، در این جلسه پیرامون موضوعات مختلفی در حوزه سیاست خارجی بحث و گفت‌وگو شده است. یکی از موضوعات مهم هم بحث مذاکره با امریکاست؛ موضوعی که بسیار مورد علاقه اصلاح‌طلبان است و اصلی‌ترین و شاید هم بی‌اغراق، تنها ایده همیشگی آنها برای دیپلماسی است. اما این طور که از توضیحات سخنگوی کمیسیون و نقل قول‌های او از عراقچی برمی‌آید، دولت برخلاف اصلاح‌طلبان تصمیمی برای مذاکره با امریکا ندارد.

■ حرف‌های روی هوا!

ابراهیم رضایی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در بخشی از توضیح خود پیرامون جلسه عصر دوشنبه این کمیسیون با عباس عراقچی گفته که «وزیر امور خارجه کشورمان توضیحاتی در ارتباط با روی کار آمدن ترامپ در امریکا و موضوع مذاکره با غرب و امریکا داد و گفت همه کسانی که حرف از مذاکره با امریکا می‌زنند، روی هوا حرف می‌زنند. چنین چیزی در دستور کار وزارت خارجه و دولت نیست و هیچ تصمیمی برای مذاکره با امریکا از طرف ما وجود ندارد و این نظر دولت، نظر وزارت خارجه و نظر کارشناسی ماست. عراقچی گفت هیچ درخواستی برای مذاکره با امریکا نداده و نخواهیم داد و به مقاماتی هم که حرف از مذاکره می‌زنند، تذکر دادیم.»

این سخنان در لابه لای اخبار گم شد، گرچه که موضع رسمی دولت در قبال مذاکره با امریکا را بیان می‌کند و می‌تواند پایانی بر ذوق زدگی و اصرار رسانه‌ها و فعالان سیاسی اصلاح‌طلب برای مذاکره با امریکا باشد، البته که اصلاح‌طلبان بعید است غیر از نظر و خواسته خود به موضوع دیگری اعتنا کنند. اما حداقل می‌توان تصویر یک دوگانگی را میان اصلاح‌طلبان و دولت در این زمینه دید. ضمن آنکه اصلاح‌طلبان به گونه‌ای می‌گفتند و می‌نوشتند که گویی در موضوع «اصرار بر انجام مذاکره با امریکایی‌ها» در حال تبیین موضع دولت هستند و عده‌ای اقلیت مخالف دولت مانع مذاکره شده‌اند.

■ تصویر یک دوگانگی

جدا از آنکه این سخنان موضع وزارت خارجه پیرامون مذاکره با امریکا را به عنوان مسئول اصلی دیپلماسی در کشور بیان می‌کند، بر مواضع دیگر افرادی در دولت که در ماه‌های اخیر بر طبل مذاکره کوبیدند، خط بطلان می‌کشد.

به عنوان نمونه یکی از این افراد علی عبدالعلی‌زاده، نماینده رئیس‌جمهور در هماهنگی اجرای سیاست‌های کلی توسعه دریامحور بود که حدود دو هفته پیش از آمادگی دولت برای مذاکره با امریکا گفت. او در گفت‌وگویی با تأکید بر ضرورت مذاکره مستقیم میان ایران و امریکا تصریح کرد که «برنامه دولت در این باره کاملاً شفاف اعلام شده و آماده مذاکره هستیم. با شروع این مذاکرات میان دو کشور دست یافتن به توافق دو تا سه ماه زمان خواهد برد.»

البته عبدالعلی‌زاده در جایگاهی نبود و نیست که پیرامون مذاکره ایران و امریکا موضع رسمی بیان کند و آنچه می‌گوید، صرفاً باید در قالب «نظر شخصی» دیده شود، اما در هر حال او عضوی از دولت است و سخنان او بازتاب‌های منفی و مثبتی پیدا کرد. چه موافق مذاکره باشیم و چه مخالف آن، اینکه فردی در جایگاهی غیرمرتبط با موضوع مذاکره، از آمادگی برای مذاکره بگوید و از سویی فردی که مسئول سیاست خارجی دولت است، آن را رد کند، نشان از دوگانگی در دولت پیرامون موضوع دارد و طبعاً در این مسیر، نظر وزارت خارجه که ذی‌ربط موضوع است، ارجح خواهد بود.

بماند که وقتی «نماینده رئیس‌جمهور در هماهنگی اجرای سیاست‌های کلی توسعه دریامحور» شروع به سخن راندن پیرامون ضرورت مذاکره بین ایران و امریکا می‌کند، یعنی در حوزه توسعه دریامحور حرفی برای زدن و سیاستی برای اعمال کردن ندارد و شروع به مداخله در حوزه کاری دیگران کرده است.

دوگانگی بعدی، در تقابل مواضع علنی ظریف با مواضع عراقچی و دولت در کمیسیون امنیت ملی است. ظریف صریح و علنی و در داخل و خارج از مذاکره با امریکا دفاع می‌کند. سابقه او هم چنین چیزی را تأیید می‌کند، تا جایی که برخی معتقدند اصرار اصلاح‌طلبان بر باقی ماندن او در دولت با وجود همه حواشی و نیز به‌رغم غیرقانونی بودن حضورش برای این است که چراغ مذاکره با امریکا در دولت روشن نگه داشته شود.

با این حال سخنان عراقچی نشان می‌دهد بین او و ظریف هم در این میان یک دوگانگی وجود دارد، یک دوقطبی پررنگ که در سخنان دیگر عراقچی در همین جلسه پیرامون ظریف دیده می‌شود.

■ مواضع غیرمسئولانه ظریف

آنچنان که از گفته‌های سخنگوی کمیسیون از عراقچی برمی‌آید، عراقچی مسئولیت هیچ یک از اقدامات و مواضع ظریف در حوزه سیاست خارجی را بر عهده نگرفته و حتی حضور او در داووس را هم بی‌ارتباط با دولت می‌داند. از این منظر، با توجه به آنکه هر فعل و قول ظریف حواشی متعددی در کشور ایجاد کرده، در حالی که او هماهنگ با وزارت خارجه عمل نکرده است، می‌توان مواضع ظریف را غیرمسئولانه دانست.

رضایی توضیح داده که «وزیر امور خارجه در خصوص سفر اخیر ظریف به سوئیس گفت که داووس یک مجموعه غیردولتی است که شخصیت‌های سیاسی، اقتصادی به آن دعوت می‌شوند و دعوت اشخاص هم به اعتبار خود آن‌هاست. در این اجلاس درباره مسائل روز بحث می‌کنند و لزوماً وزرای خارجه در آن شرکت نمی‌کنند. البته وزیر خارجه گفت که امسال از او هم دعوت کردند، اما به دلیل برنامه دیگری به این اجلاس نرفته است. ظریف نیز به اعتبار خودش دعوت شده بود و قبل از سفر هم از وزارت خارجه سؤال کرد که ما هم مخالفت نکردیم، چون حضور در داووس یک امر رایج است.»

سخنگوی کمیسیون همچنین گفته که «عراقچی درباره مصاحبه ظریف با یکی از رسانه‌های امریکایی هم گفت که خود ایشان باید پاسخگو باشد.»

این مواضع یعنی وزارت خارجه هیچ مسئولیتی در قبال مواضع ظریف نپذیرفته است.

طبیعی است که در این میان نگرانی پیرامون موازی‌کاری افراد با وزارت خارجه یا کاهش و حتی از بین رفتن مرجعیت وزارت خارجه در سیاست خارجی کشور به وجود بیاید و از بین نباید برود که البته وزیر امور خارجه در جلسه کمیسیون تأکید کرد که «اتفاقی در مورد مرجعیت وزارت خارجه در حوزه دیپلماسی نیفتاده است.»

تذکر به مقاماتی که پیرامون مذاکره صحبت کرده‌اند، طبعاً شامل حال ظریف و عبدالعلی‌زاده هم می‌شود. اما باید دید آیا این تذکر غیرعلنی می‌تواند به چندگانگی مواضع و القای نظر شخصی به جای موضع رسمی دولت در این زمینه پایان دهد یا همچون حضور غیرقانونی در دولت، همچنان مسیر خودرأیی طی می‌شود.

خبر

آملی: مجمع درباره پالرمو و CFT تصمیم علمی و فنی می‌گیرد

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره برآورد خود از رأی اعضای مجمع به دو لایحه پالرمو و CFT، گفت: نمی‌توانم پیش‌بینی کنم. ما بحث می‌کنیم و آنچه مصلحت کشور بعد از کار فنی و دقیق تشخیص داده شود، ان‌شاءالله مطرح خواهد شد.

آیت‌الله صادق آملی لاریجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفت‌وگو با ایرنا، درباره روند بررسی FATF در مجمع تشخیص و نتیجه آن، گفت: ما کار دقیق علمی می‌کنیم. البته باید توجه داشت که FATF به مجمع تشخیص ارجاع نشده بلکه دو لایحه پالرمو و CFT ـ دو کنوانسیون بین‌المللی ـ در دستور کار قرار گرفته است. وی افزود: اکنون کمیسیون‌های مجمع تشخیص مشغول کار دقیق هستند و آنچه را که مجلس محترم برای ما فرستاد و مورد ایراد شورای نگهبان بود، بحث دقیق درباره آن در مجمع درحال انجام است.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به این پرسش که فضای مجمع را درمورد این دو لایحه چگونه ارزیابی می‌کنید؟ تصریح کرد: نمی‌توانم پیش‌بینی کنم. ما بحث می‌کنیم و آنچه مصلحت کشور بعد از کار فنی و دقیق تشخیص داده شود، ان‌شاءالله مطرح خواهد شد.

پیش از این علی لاریجانی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و مشاور رهبر انقلاب در حاشیه بازدیدش از خبرگزاری جمهوری اسلامی از تشکیل کمیسیون مشترک برای بررسی FATF در مجمع خبر داد و گفته بود: افراد از کمیسیون هایی که نقش دارند انتخاب شده‌اند و بررسی‌های خود را آغاز می‌کنند.

دفاعی

معاون فرهنگی و جنگ نرم ستادکل نیروهای مسلح:

منطقه با گروه‌های تروریستی روی آرامش و امنیت نمی‌بیند

معاون فرهنگی و جنگ نرم ستاد کل نیروهای مسلح، گروهک‌های تروریستی وابسته به نظام سلطه و استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی را دشمنان امنیت، پیشرفت و توسعه عنوان کرد و از اهالی رسانه خواست ضمن کمک به حفظ آرامش افکار عمومی با آگاهی‌بخشی به مردم و افشاگری‌های بموقع و عالمانه توطئه‌های دشمنان ملت و کشور و دست‌های پشت پرده فعالیت‌های تروریستی را شفاف‌سازی و برملا کنند و مانع از ادامه فعالیت آنها شوند.

سردار سرتیپ پاسدار ابوالفضل شکارچی که در رأس هیئتی به استان سیستان و بلوچستان سفر کرده است، در جمع خبرنگاران و اصحاب رسانه این استان در زاهدان، به نقش و اهمیت پیشرفت و توسعه و ارتباط آن با امنیت اشاره کرد و گفت: پیشرفت و توسعه پایدار از موضوعاتی است که همواره یکی از دغدغه‌های بشری در ادوار مختلف تاریخی بوده و این مهم در شرایط کنونی جهان و با بروز و ظهور فناوری‌های جدید از نقش و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

سردار شکارچی اضافه کرد: در ایران اسلامی هم پس از پیروزی انقلاب به رهبری امام راحل و دستیابی به استقلال سیاسی، حرکت به سوی توسعه پایدار آغاز شد و در این چهل وشش سال علی‌رغم مشکلات متعدد و موانعی که دشمنان از طریق جنگ تحمیلی، تحریم‌ها و روش‌های مختلف برای توقف ملت ایران ایجاد کردند، گام‌های بلندی در این زمینه برداشته شده است که مرور دهه‌های گذشته نشان از پیشرفت‌های خیره کننده ایران در حوزه‌های مختلف علمی، دفاعی، نظامی، پزشکی، کشاورزی، نانو و دیگر حوزه هاست. به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد، جمهوری اسلامی ایران در برخی از حوزه‌های پیشرفت، بر لبه فناوری حرکت می‌کند.

معاون فرهنگی و جنگ نرم ستادکل نیروهای مسلح، در ادامه با اشاره به ارتباط تعیین کننده امنیت با پیشرفت و توسعه پایدار، با بیان اینکه پیشرفت و توسعه رابطه متقابل دارند لذا امنیت می‌تواند پیشرف و توسعه را به دنبال داشته باشد و چنانچه منطقه‌ای پیشرفت و توسعه پیدا کرد به امنیت ملی و پایدار منجر می‌گردد. شکارچی سپس از رسانه‌های محلی به عنوان موتور محرکه تقویت امنیت ملی و پیشرفت و توسعه جوامع محلی یاد کرد که می‌توانند به علت ارتباطات وسیع و وثیقی که با مردم مناطق و نواحی خود دارند و با آگاهی بخشی که به جامعه می‌دهند، نقش آفرینی کنند و مسیر پیشرفت و توسعه فراگیر را هموار کنند.

این مقام مسئول در ادامه گروهک‌های تروریستی را به عنوان ابزار دشمنان جمهوری اسلامی و ملت ایران مخصوصاً امریکا و رژیم صهیونیستی و یکی از موانع اصلی پیشرفت و توسعه هر جامعه‌ای توصیف کرد و گفت: در جامعه‌ای که امنیت حاکم نباشد، سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های عمرانی و اقتصادی هم با چالش اساسی مواجه می‌شود و هیچ سرمایه گذاری قادر نخواهد بود در شرایط ناامنی به فعالیت خود ادامه دهد. وی گروهک‌های تروریستی وابسته به نظام سلطه و استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی را دشمنان امنیت، پیشرفت و توسعه عنوان کرد و با بیان اینکه این گروهک‌ها حساب شده در مسیر اهداف دشمنان مردم و کشور حرکت می‌کنند، از اهالی رسانه خواست ضمن کمک به حفظ آرامش افکار عمومی با آگاهی‌بخشی به مردم و افشاگری‌های بموقع و عالمانه توطئه‌های دشمنان ملت و کشور و دست‌های پشت پرده فعالیت‌های تروریستی را شفاف‌سازی و برملا کنند و مانع از ادامه فعالیت آنها شوند. سردار شکارچی همچنین بیان داشت نقش اساسی در تأمین امنیت به عهده مردم است و با کمک مردم، همکاری رسانه‌ها و نیروهای مسلح می‌توان امنیت پایدار را در منطقه تقویت، ناامنی در منطقه را ریشه‌کن کرد و در سایه امنیت کامل به پیشرفت و توسعه حداکثری رسید و دشمنان را ناکام گذاشت.

گزیده خبر

با تصویب فرمانده معظم کل قوا

امیر صباحی‌فرد فرمانده قرارگاه مشترک پدافند هوایی شد

با تصویب فرمانده معظم کل قوا(مدظله العالی) امیر سرتیپ قادر رحیم‌زاده به سمت مشاور عالی فرمانده کل ارتش منصوب و امیر سرتیپ صباحی‌فرد فرمانده نیروی پدافند هوایی ارتش با حفظ سمت عهده‌دار مسئولیت فرماندهی قرارگاه مشترک پدافند هوایی شد.

به گزارش روابط عمومی ارتش، فرمانده معظم کل قوا به پیشنهاد فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران، امیر سرتیپ قادر رحیم‌زاده را به سمت مشاور فرمانده کل ارتش منصوب و مقرر فرمودند «امیر رحیم زاده فرمانده خوبی است، باید از او تقدیر شود. این مدت(فرماندهی قرارگاه مشترک پدافند هوایی) خوب تلاش کرد».

سردار سرلشکر پاسدار محمد باقری، رئیس ستادکل نیروهای مسلح، در آیین معارفه فرمانده قرارگاه مشترک پدافند هوایی خاتم‌الانبیا که در ستاد این قرارگاه برگزار شد، با تبریک اعیاد شعبانیه و ایام‌الله دهه مبارک فجر و گرامیداشت چهل و ششمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و قدردانی از پیشرفت‌های توان دفاعی کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گفت: صنعت دفاعی کشور در قبل از انقلاب وابسته و بالای ۹۰ درصد بر واردات تمرکز داشت، این در حالی است که به برکت انقلاب و نظام اسلامی هم اکنون بیشتر نیازمندی‌های خود را در داخل می‌سازیم و حتی بخشی از آن را به کشورهای دیگر صادر می‌کنیم. رئیس ستادکل نیروهای مسلح تصریح کرد: به فضل الهی تحت تدابیر و فرامین فرمانده معظم کل قوا، نیروهای مسلح مسیر پرفروغ قدرت‌افزایی برای کشور را تداوم خواهند بخشید و متناسب با تهدیدات متصور و الزامات و اقتضائات روز خود را مجهز به سامانه‌ها و تجهیزات مدرن و پیشرفته و در این راستا از توان بومی و داخلی کشور استفاده کرده‌اند و در اوج آمادگی‌ها به دشمنان خیره سر اجازه نخواهند داد به میهن اسلامی چپ نگاه کنند.

سرلشکر غلامعلی رشید:

خطای محاسباتی دشمن را در میدان تغییر خواهیم داد

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا(ص) با بیان اینکه موجودیت، هویت و موقعیت راهبردی ایران اسلامی به اعتبار تجربه تاریخی با بهره‌مندی از قدرت نظامی و ارتش و سپاه، قابل تضمین است، گفت: قطعاً ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خطای محاسباتی دشمن را در میدان عمل تغییر خواهند داد.

به گزارش روابط عمومی ارتش، سردار سرلشکر پاسدار غلامعلی رشید فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا(ص) در جمع فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی ایران، ضمن تبریک ایام‌الله دهه فجر و سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی اظهار کرد: انقلاب اسلامی در جامعه ایران با مشارکت تمام اقشار ملت به رهبری امام خمینی(ره)، ارتش ایران را نیز از درون متحول کرد و عملکرد ارتش ما به نقطه تعیین کننده برای حفظ یا سقوط نظام ظالمانه شاه تبدیل شد.

سردار رشید با بیان اینکه انتخاب آگاهانه و تاریخی بدنه مسلمان و عظیم ارتش، مسیر انقلاب را از یک جنگ داخلی و طولانی به یک پیروزی سریع و بدون خونریزی تبدیل کرد، گفت: ارتش ما، انقلاب اسلامی ملت ایران را به رسمیت شناخت و با پیوستن به انقلاب در حقیقت با رهبری انقلاب حضرت امام خمینی(ره) پیمان بست. وی افزود: اگر سران ارتش در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ به درون ارتش و پیوستن ارتش به انقلاب توجه و آن را رسماً اعلام می‌کردند، آسیب‌های اولیه در ایام بعد از پیروزی انقلاب به ارتش ما وارد نمی‌شد.

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا(ص) تصریح کرد: نظام رسانه‌ای غرب، به ویژه امریکا و انگلیس با وجود سقوط شاه و پیروزی انقلاب اسلامی علیه شاه و حامیانش، همچنان بر تضعیف قدرت نظامی ایران، یعنی ارتش جمهوری اسلامی ایران تأکید می‌کرد و صدام و رژیم بعث عراق را برای اقدام علیه ایران و تضعیف ارتش ما تحریک کرد. وی با بیان اینکه امریکایی‌ها محاسبات صدام را از حمله به ایران با وجود ارتش وفادار به انقلاب و ملت ایران، تغییر دادند و این تصور غلط را در ارتش متجاوز صدام ایجاد کردند که پیروزی سریع در راه است، بیان کرد: حمله نظامی صدام به ایران با حمایت غرب و شرق، قدرت نظامی ایران یعنی ارتش جمهوری اسلامی ایران را که به غلط تصور می‌شد تضعیف شده به آزمون گذاشت، اما ترکیب ارتش وفادار جمهوری اسلامی و مردم امکان شکست ارتش متجاوز عراق را فراهم کرد.

سردار رشید گفت: بدون حضور نیروهای مردمی در کنار ارتش و نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران با فداکاری‌های عظیم خود در دفاع از تمامیت ارضی ایران اسلامی، امکان شکست ارتش متجاوز عراق وجود نداشت. بنابراین، تحول در قدرت نظامی ایران با انقلاب اسلامی بر پایه شالوده باورهای اعتقادی دینی و انقلابی و مشارکت مردمی و سازماندهی آنها در درون نهاد بسیج و سپاه در کنار ارتش شکل گرفت و برای حامیان منطقه‌ای و جهانی صدام روشن شد چرا محاسبات صدام اشتباه بود.

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا(ص) با اشاره به اینکه امروز هم به صورت دیگری نظام رسانه‌ای غرب و رژیم صهیونیستی با باور غلط، سخن از تضعیف قدرت نظامی ایران می‌گویند و با اشاره به تحولات منطقه و نتیجه‌گیری از آن برای تضعیف قدرت دفاعی جمهوری اسلامی ایران یک عملیات رسانه‌ای روانی شروع کرده‌اند، یادآور شد: قطعاً ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این خطای محاسباتی دشمن را در میدان عمل تغییر خواهند داد، همان گونه که بارها در صحنه‌های رویارویی متعدد از آغاز پیروزی انقلاب به ویژه در هشت سال دفاع مقدس، ارتش ما اثبات کرد که قدرتمند است و هم در دفاع و هم در تهاجم و این بار هم شاخ دشمن را خواهد شکست. سردار رشید گفت: دشمن غدار می‌خواهد با تضعیف اراده ما، به زعم باطل به پیروزی بدون جنگ دست یابد، ما نیروهای مسلح جمهوری اسلامی باید با نمایش اراده، به کارگیری قدرت، هزینه اشتباه در محاسبه دشمن را آشکار کنیم و با آمادگی رزمی کامل آماده ایم محاسبات دشمن را تغییر و با تحمیل هزینه بر دشمن او را به بازدارندگی برسانیم.